

بازنمایی روان زخم در ادبیات پسایازده سپتامبر: بازخوانی خاطرات شخصیت‌ها در رمان بنیادگرایی ناراضی اثر محسن حمید

ساجد حسینی (نویسنده مسؤول)

کارشناس ارشد ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

احسان بقایی

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است خاطرات شخصیت‌های اصلی رمان بنیادگرایی ناراضی نوشته محسن حمید را از منظر رویکردی التقاطی به بازنمایی روان زخم مورد خوانش و بررسی قرار دهد. نظریه‌ی «روان زخم روان‌شناختی» فروید و بروئر، مفهوم «اختلال استرس پساروان‌زخمی» جودیت هرمان و مقوله‌ی «روان زخم فرهنگی» جفری الکساندر در مقام مبنای نظری مقاله حاضر مورد استناد قرار گرفته‌اند. روان زخم روان‌شناختی به آسیب‌های روانی غیرقابل تحمل و غیرقابل بیانی اشاره دارد که همواره به مثابه زخمی در ناخودآگاه فرد باقی می‌مانند. اختلال استرس پساروان‌زخمی بر مشکلات جسمی در امور طبیعی از قبیل عدم تمرکز مداوم، بی‌خوابی و آمدوشد در خاطرات گذشته تمرکز دارد. روان زخم فرهنگی تغییرات هویتی را در سطح جمعی یک گروه به دلیل حادثه‌ای وحشتناک در گذشته مورد بررسی قرار می‌دهد. ماجراهای چنگیز، راوی رمان، به دوران حملات پسایازده سپتامبر برمی‌گردد که راه را برای مطالعه‌ی بازنمایی روان زخم در این رمان هموار می‌سازد. پژوهش پیش روی به منظور قلمداد کردن حافظه به عنوان مکانی برای کنکاش در خصوص وضعیت ذهنی سوژه، از نظریه‌های متفاوت درباره‌ی روان زخم بهره می‌جوید. نتایج نمایانگر این امر هستند که حادثه‌ای چون حملات یازده سپتامبر تاثیرات عمیق و مخربی بر سوپرکتیویته‌ی چنگیز بر جای می‌گذارد و به همان شیوه نیز عواقب منفی آن بر نسل جدید روشنفکران مهاجر پاکستانی قابل ملاحظه است.

واژگان کلیدی: روان زخم؛ اختلال استرس پساروان‌زخمی؛ روان زخم فرهنگی؛

هویت؛ رمان پسایازده سپتامبر.